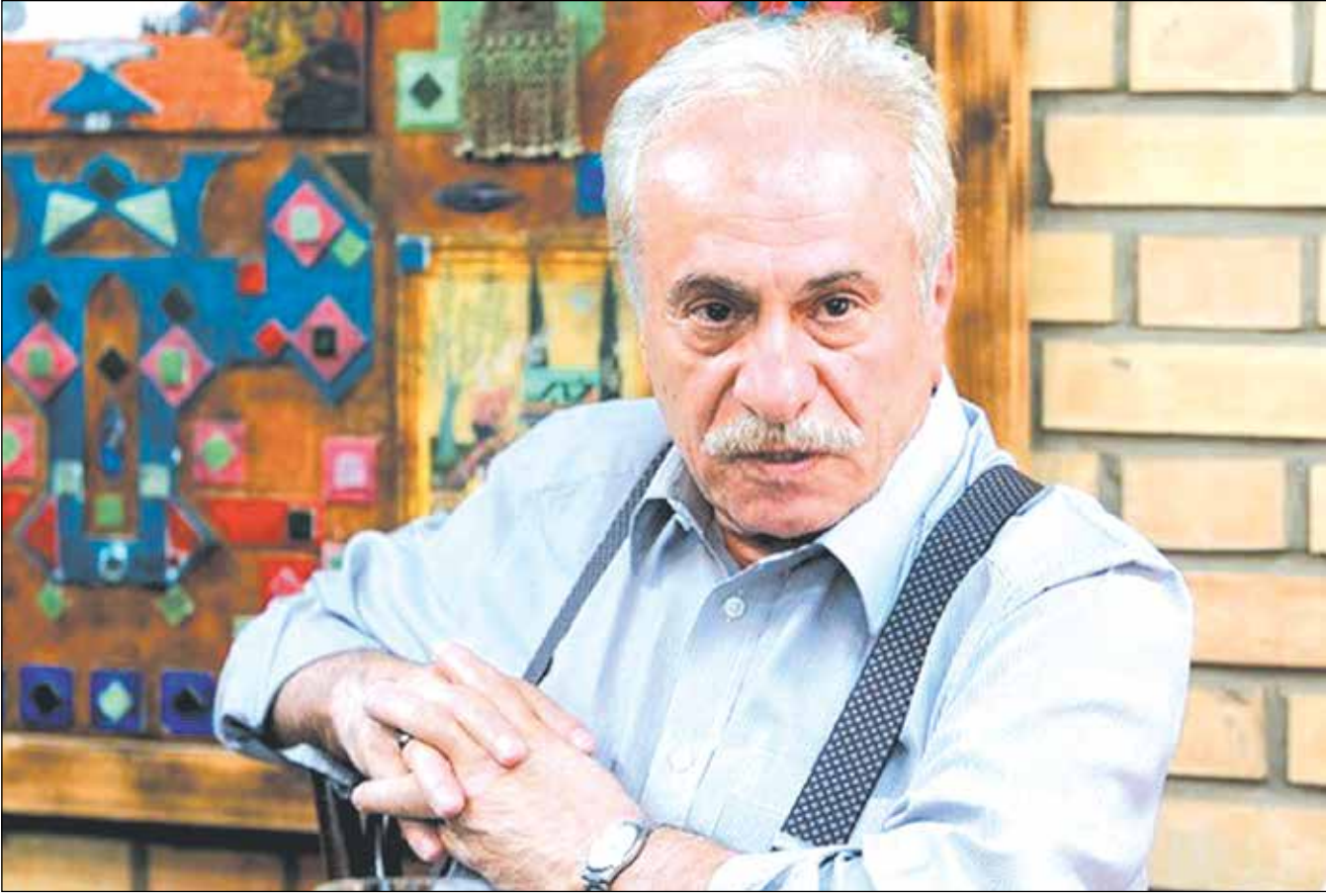


ایرج راد در مراسم تقدیر از طراحان تئاتر:

کاش به ۲۰ سال پیش بازگردیم



مراسم تقدیر از طراحان صحنه و لباس تئاتر با یادی از فرناز بهزادی و فریماه فرجامی و با گل‌های ایرج راد از وضعیت فعلی تئاتر برگزار شد. به گزارش ایسنا، در آغاز این مراسم که عصر روز شنبه دهم تیر در سالن استاد جوانمرد عمارت خانه تئاتر برگزار شد، حضاران به یاد فرزات بهزادی و فریماه فرجامی، دو هنرمندی که در روزهای اخیر از دنیا رفته‌اند، یک دقیقه سکوت کردند.

در ادامه این مراسم که به کوشش انجمن طراحان صحنه و لباس خانه تئاتر برگزار شد، ایرج راد، رییس هیات مدیره خانه تئاتر به عنوان اولین سخنران برنامه، با ابراز خرسندی از برگزاری این مراسم تقدیر، از زحمات طراحان بزرگی که علاوه بر فعالیت هنری در آموزش نسل جوان هم موثر بوده‌اند، قدردانی کرد.

او در عین حال با ابراز تاسف فراوان از وضعیت فعلی تئاتر اضافه کرد: متأسفانه هر روز به جای پیشرفت، آرزوی بازگشت به گذشته را داریم؛ زمانی که تئاتر پررونق بود و مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌گرفت اما حالا آرزو داریم به ۲۰ سال پیش برگردیم و این در حالی است که در این سال‌ها دانشکده‌های متعدد هنری راه‌اندازی شده‌اند و هر سال با خیل بزرگ فارغ‌التحصیلی‌ی رو به رو می‌شویم که

می‌شود، باید کارگاه‌های دوکرو و لباس هم دایر باشند، همچنانکه پیش از این هم چنین بود ولی مایه تاسف است که با تعطیلی این کارگاه‌ها در سال‌های گذشته، زحمت و هزینه زیادی به گروه‌های نمایشی تحمیل شد.

راد با اشاره به نقش مهم هنرمندانی چون خسرو خورشیدی در رشد و توسعه طراحی صحنه تئاتر در ایران یادآوری کرد: زمانی که در کشور ما به طراحی دکور و لباس اهمیت داده نمی‌شد، هنرمندان بزرگی مانند خسرو خورشیدی سهم مهمی در پیشرفت این رشته داشتند.

او در عین حال با ابراز تاسف فراوان از وضعیت فعلی

تئاتر اضافه کرد: متأسفانه هر روز به جای پیشرفت، آرزوی بازگشت به گذشته را داریم؛ زمانی که تئاتر پررونق بود و

مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌گرفت اما حالا آرزو داریم به ۲۰ سال پیش برگردیم و این در حالی است که در این سال‌ها دانشکده‌های متعدد هنری راه‌اندازی شده‌اند و هر سال با خیل بزرگ فارغ‌التحصیلی‌ی رو به رو می‌شویم که

گفت و گو با آزاده پدram فر نویسنده کتاب شی با کافکا

هیچ چیز زیباتر از این نیست که اطرافت پر باشد از کتاب

جواد لکزبان

رونمایی کتاب شیبی با کافکا نوشته آزاده پدram فر از سوی نشر سخن گستر در یک عصر

بهراری در مشهد در محل حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بهانه‌ای شد برای یک گفتگو. در این گفتگوی ساده و صمیمی خاتم پدram فر از آشنایی با جهان داستان میگوید و اینکه هر کسی باید سنگ صبور داشته باشد و البته کاغذ و قلم بهترین سنگ صبور هر کسی می‌تواند باشد.

یادکتاب بیوگرافی مختصر برای ما از خودتان بگویند.

آزاده پدram فر هستم. در آخرین ماه از فصل زمستان در شهر بندر عباس به دنیا اومدم. البته اینو باید یاد بگم که تنها به خاطر شغل پدرم که افسر نیروی هوایی بودند به این شهر منتقل شده بودیم و در این شهر زیبا فامیل و آشنایی نداریم. رشته تحصیلیم الکترونیکه و در حال حاضر لذتبخش ترین کار من نوشتنه.

آزاده پدram فر هستم. در آخرین ماه از فصل زمستان در شهر بندر عباس به دنیا اومدم.

البته اینو باید یاد بگم که تنها به خاطر شغل پدرم که افسر نیروی هوایی بودند به این شهر منتقل شده بودیم و در این شهر زیبا فامیل و آشنایی نداریم. رشته تحصیلیم الکترونیکه و در حال حاضر لذتبخش ترین کار من نوشتنه.

سوسن پرور، بازیگر سینما و تلویزیون درباره اولین تجربه اجرایش در حوزه بومگردی ایران در مستند مسابقه «بومگرد» می‌گوید: اگر اجرای برنامه استودیویی پیشنهاد شود قبول نمی‌کنم و اگر قرار باشد حوزه اجرا را ادامه بدهم دوست دارم برنامه متعلق به خودم باشد.

سوسن پرور، بازیگر سریال‌های تلویزیون که پیشتر او را در آثار طنز دیده ایم در گفت و گو با ایسنا از تجربه همکاری اش در زمینه اجرای مستند مسابقه «بومگرد» شبکه یک سیما گفت.

پرور تاکید می‌کند که کار اجرا را دوست دارد ولی در عین حال اجرای پرچالش این مسابقه بود که او را جذب کرد. این بازیگر که با مستند مسابقه «بومگرد» اولین تجربه اش در زمینه اجرا داشته ابتدا درباره انگیزه اش برای حضور در این برنامه گفت: در کل کار اجرا را دوست دارم اما ایده «بومگرد» را بسیار دوست داشتم و زمانی که در مورد آن صحبت شد به دلم نشست. آقای کلانتری و منیری (کارگردان‌های بومگرد) به نظرم جوانان پرانرژی و خوشفکری بودند که دوست داشتم کار با ایشان را تجربه کنم و این‌که برای من یک فرصت بود که در این برنامه اجرایش بود که مرا ترغیب به پذیرش کرد.

جذابیت‌های «بومگرد» از نگاه سوسن پرور او درباره جذابیت‌های این مسابقه تلویزیونی

توضیح داد: معرفی ایران بیش از همه برایم جذاب بود. چه ایده ای می‌تواند جذاب تر از این باشد؟ ما همیشه مقصد گردشگری در تعطیلات را شمال و کنار دریا می‌بینیم و جاهای دیگر را اساساً نمی‌شناسیم و وقتی

شما نسبت به هر شخص و منطقی که داره،

فرق می‌کنه. اما اگه بخوام به جای جواب دادن به سوال شما، چالشی رو که خودم در داستان شنبی با کافکا داشتم بگم، این بود که؛ حضور این حشره کوچک، که حتی می‌تونیم به عنوان وجودان آخرین وضعیتش به زینل این استر نگاههایی که از من آدمیزاد می‌کنه شاید تلنگری باشه هر چند کوچک، که در راهی قرار بگیریم و راهی رو انتخاب کنیم که در پایان راه زندگی، حسرت کمتری گریبانمون رو بگیره. همیشه باید یادمون باشه، زندگی از اون چیزی که ما تصور می‌کنیم خیلی کوتاه تره.

به انتخاب خودتان یکی از داستانهایتان را برای خوانندگان روزنامه تعریف کنید.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه. این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

در این مورد می‌تونم بگم، این داستان رو که در آن یک جوان با یک دختر جوان آشنا میشه و در نهایت با هم ازدواج میکنه و در آخر زندگی‌ش با هم جدا میشه و در نهایت با هم دوباره آشنا میشه و دوباره با هم ازدواج میکنه.

و بدون اولویت معرفی شدند: نازلی وثوق، مریم لشگری و بهار میرزا میر طاووس. همچنین پرپوش حاجی غدیری، به

عنوان دانشجوی شایسته تقدیر معرفی شد.

جوایز این دانش‌جویان برگزیده، با حضور علی عابدی و مجید قناد اهدا شد.

در ادامه، تجلیل از هنرمندان پیشکسوت با حضور اصغر همت، ایرج راد (به‌عنوان اعضای هیات مدیره خانه تئاتر) و مقصد نعیمی ذاکر، مدیر عامل این تشکل برگزار شد. خسرو خورشیدی، نخستین هنرمندی بود که با پخش تصاویری از او تقدیر شد. او که به دلیل کهولت سن و آلودگی هوا و به توصیه پزشک، امکان حضور در برنامه را نداشت، در قالب این تصاویر، سخنان خود را با حضاران مطرح و از برگزارکنندگان برنامه قدردانی کرد.

محمدرضا رحمانی لشگری، پروین محبی، اندا زینلیان، عادل بزوده، امیر رضا زاده، سیما سامانی، فریبرز قربان‌زاده، منیره ملکی و کتابون فیض مرندی، دیگر هنرمندانی بودند که به دلیل سال‌ها تلاش خود در فعالیت هنری و نیز در آموزش دانشجویان تقدیر شدند.

اندا زینلیان طی سخنرانی گفت: امروز برایم روزی است بسیار زیبا. هر بار که در خانه تئاتر جمع می‌شویم، گویی در خانه پدری هستیم. برای ما که سال‌هاست کار تئاتر می‌کنیم، تئاتر همانند نفس ماست. به استادان بزرگ تئاترمان افتخار می‌کنیم و نیز به دانشجویانی که آینده‌سازان این هنر هستند. امروز سه تن از هنرجویان خوب هنرهای زیبا جوایزی گرفتند و این بسیار زیباست. امیدوارم روزی همین دانشجویان را به عنوان مدرس کنار خود ببینیم. بزوده هم از دانشجویان حاضر در برنامه خواست که فعالیت کنند چراکه آینده تئاتر به دست آنان سپرده خواهد شد.

سیما سامانی از استادان خود همچون اندا زینلیان، محمدرضا رحمانی لشگری و پروین محبی قدردانی و ابراز خوشنودی کرد که در کنار آنان تقدیر می‌شود.

منیره ملکی هم گفت: هر بار که می‌بینم دانشجویان‌مان بهتر از خود ما کار می‌کنند، زنده می‌شوم.

کتابون فیض مرندی نیز خطاب به دانشجویان حاضر در برنامه گفت: نهالی را در دانشگاه آزاد کاشتیم که امروز ۲۷ ساله است و آن را به شما می‌سپاریم. قدرش را بدانید. سپس اصغر همت که در دانشکده هنرهای زیبا درس تئاتر خوانده، با یادآوری دوره دانشجویی خود، از خسرو خورشیدی به عنوان یکی از مشوقان بزرگ خویش یاد کرد و گفت: ایشان نشان داد که ارتباط یک طراح با یک بازیگر چقدر می‌تواند اثرگذار باشد و این به دلیل تسلط و شناخت استاد خورشیدی از عناصر گوناگون تئاتر است.

او همچنین از دیگر استاد خود، محمد کوثر هم به نیکی یاد کرد که او نیز تاثیر شگفتی بر زندگی‌اش داشته است.

ایمن برنامه با اجرای حمیدرضا منجر، عضو هیات مدیره انجمن طراحان صحنه و لباس خانه تئاتر و مدیر کمیته آموزش این انجمن برگزار شد.

هما جدی‌کار، فرزانه نشاط‌خواه، جمشید جهانزاده، مهدی قلعه، هوشمند هنرکار و ... از دیگر حضاران در این دوره مسابقه دانشجویی اسکسکس صحنه و لباس که بعد از ظهر امروز در خانه تئاتر برگزار شده بود، به شرح زیر برنامه بودند.

حس کرد.

داستان در شهر یزد قدیم روایت می‌شود و درباره شهربانو دختر رئیس طائفه زرتشتی و زینل پسری مسلمان که دربان خانه پدری‌اش است، می‌باشد. شهربانو که در بستر بیماری افتاده آخرین وصیتش به زینل این است که اجازه ندهد جنازه اش را طبق رسوم طائفه به دخمه بپرند تا غذای گرکس‌ها شود و از زینل می‌خواهد که در خاک دفن شود. زینل جنازه را می‌دزدد و رو در روی طائفه می‌پسندد. اما در آخرین لحظه که پدر شهربانو می‌خواهد جنازه بی جان شهربانو را از او بگیرد، زینل که دیگر حق انتخابی ندارد، مجبور می‌شود برای آنکه معشوقه اش را به آرزویش برساند، از جان خودش نیز بگذرد.

رهاورد مثبت شما از زندگی با داستان و دنیای داستان چه بود.

همان طور که گفتیم به طور تصادفی با



اساساً ایده برایم فوق‌العاده بود. بومگردی ایران برایم بسیار مهم است. حرف زدن از اهمیت این موضوع مانند این که است که شما خانه‌ای را بخردید و چهار اتاق خواب داشته باشید و صرفاً از حال آن استفاده کنید. چرا باید خانه چهار خوابه بخردید که از اتاق‌هایش استفاده نکنید؟

خب بفروشید و باقی پول را بدهید به آدم‌هایی که جایی می‌خواهند برای زندگی. امروز ما خانه‌ای ۴۰ هزار خوابه به نام ایران داریم که از آن استفاده نمی‌کنیم و وقتی بی استفاده باشد همین می‌شود چراکه ما از آن خبر نداریم!

این بازیگر در پاسخ به این پرسش‌ها گفت: اطلاعاتی که در طول اجرا به مخاطب می‌دهید سازندگان در اختیارتان می‌گذارند؟ خاطرنشان کرد: همه چیز از نسوی تیم نویسندگان بوده است و من دخل و تصرفی در اطلاعاتی که بیان می‌کنم، ندارم.

او در عین حال درباره اینکه خودتان در این مدت تحقیقی در حوزه بومگردی داشته اید؟ توضیح داد: خبر ولی کلا جاهایی که رفته ام از دوست داشتم و قبل از این برنامه هم مردم اینگونه بوده که بروم و بگردم. مثلاً ناگهان در سفری به جاده ای خاکی می‌روم که بینم به کجا می‌رود و کشف و شهودهایی اینگونه داشتم اما ولی اینکه تحقیق کنیم که مثلاً چقدر از سطح خاک ایران آب بوده و چقدر این آب‌ها از بین رفته است و ... را نداشته‌ام و این کار را

اخبار کوتاه

نامزدهای «قلم زرین» معرفی شدند

اسامی نامزدهای بیست‌ویکمین جایزه «قلم زرین» اعلام شد.

به گزارش ایسنا، کتاب‌های راه‌یافته به مرحله نیمه‌نهایی جایزه قلم زرین امسال در پنج بخش مختلف به شرح زیر هستند:

بخش داستان بزرگسال

«بوران» نوشته محبوبه حاجیان‌زاده، سوره مهر «عزرائیل: روزهای تاریک» از نیما اکبرخانی، کتابستان معرفت

بخش داستان کودک و نوجوان

«گریز از سال صفر» حسین قربانزاده خیابوی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«شاهزاده‌ای از ایران/ روزهای تاریک» نوشته مصطفی خرامان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«مردی از رنده» از مصطفی خرامان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان «پسری از کلب» از مصطفی خرامان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مجموعه ده‌جلدی «کودکی نامداران» نوشته پرویز امینی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«من مهدی آذریزدی هستم» ازهدای حکیمیان، انتشارات صاد یخش شعر بزرگسال

«برل‌های ناگزیر» سروده موسی عصمتی، ترنجستان

«خویشتن» سروده عبدالحمید ضیایی، کاشی

«گیسوان کالیی» از محمدحسین انصاری‌نژاد، صریح

«دیدار نخستین» از زهرا محدثی خرامانی، شاعران پارسی‌زبان

«همیشه جای گلی خالی است» سروده عبدالرضا رضایی، شاعران پارسی‌زبان

بخش شعر کودک و نوجوان

«بیست‌وهفت آدم آهنی» سروده کبریا بابایی، گویا

«حرف کلاغه راسته» از مریم‌هاشم‌پور، لویه توبه

«من سنگ بودم» از طاهره شهبانی، سوره مهر

«هنگام باران بود» سروده سیدحبیب نظاری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«یک نفس دریا» از داوود لطف‌الله، گویا

بخش نقد و پژوهش ادبی

«گونه‌شناسی نثر فارسی در عصر قاجار » نوشته محمدرضا حاجی آقابابایی، انتشارات مهراندیش

«درباره رمان - دفتر دوم: سبیر تطوره، اکتون و آینده رمان» از حامد رشاد، انتشارات کانون اندیشه جوان

«فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی» نوشته وحید بهرامی، انتشارات قصیده‌سرا

مراسم تجلیل از برگزیدگان بیست و یکمین جشنواره ادبی قلم زرین به دبیری حمید هنرجو، ۱۴ تیر امسال، هم‌زمان با آیین پاسداشت روز قلم، برگزار می‌شود.

جادوی «هری پاتر» ادامه دارد

یکی از نسخه‌های چاپ نخست کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» در حالی به زودی در یک حراجی به مزایده گذاشته می‌شود، که انتظار می‌رود به قیمت چنددهزار پوند به فروش برسد.

به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، یک نسخه کمیاب از چاپ نخست کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» که در ابتدا به قیمت ۳۰ پنس فروخته شده بود، ممکن است در یک حراجی پیش رو به قیمت ۵۰۰۰ پوند فروخته شود.

نخستین رمان از مجموعه داستان‌های «هری پاتر» نوشته «